

مسجد آرمانی از منظر قرآن

عین الله خادمی

از جمله راههای شناسایی و شناساندن هر موضوع یا مکان بر شمردن اوصاف، ویژگیها و شاخصه های آن چیز است. اوصاف و ویژگیهای یک شیء، به دو دسته کلی تقسیم می شود.

۱. اوصاف ثبوتی (ویژگیهایی که یک شیء باید آن را داشته باشد)

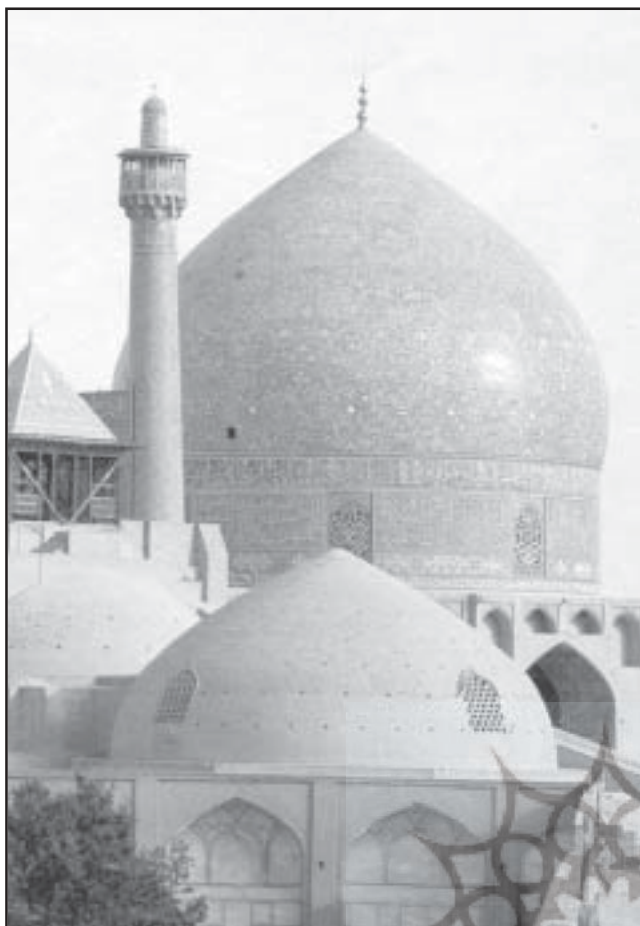
۲. اوصاف سلبی (خصوصیاتی که یک شیء باید آن را نداشته باشد)

برای معرفی یک شیء، مکان یا موضوع، گاهی فقط اوصاف ثبوتی آن را برمی شمردند، و زمانی دیگر تنها اوصاف سلبی؛ اما طریق احسن و اکمل آن است، که هر دو دسته صفات بررسی شوند.

درباره مساجد آرمانی (نمونه)، از دو بعد می توان بحث کرد:

۱. بحث درباره معماری و ویژگیهای بنای مسجد (پرداختن به زیبایی شناسی مادی)

۲. توجه به جنبه های معنوی مسجد، بدون توجه به ویژگیهای



مسجد امام خمینی، اهلبهان

هست. عده‌ای آن را مسجد قبا، و برخی آن را مسجد النبی دانسته‌اند. برخی دیگر نیز گفتند که مراد، هر مسجدی است که برای اسلام و برای رضای خدا شناخته شود. شیخ طوسی، بیان، ج ۵، ۲۹۹؛ زمخشری، کشف، ج ۲، ۳۱۱؛ واقدی، مغازی، ج ۳، ۷۹۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ۱۱۱؛ طباطبایی، المیزان، ج ۹، ۶۲۲ - ۶۲۳؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ۱۳۹ - ۱۴۰.

اگر تفسیر سوم که شیخ طبرسی در مجمع البیان ذکر کرده است، مراد قرآن باشد، ارتباطش با بحث ما بسیار واضح و روشن خواهد بود و نیاز به توضیح ندارد. اما اگر دو تفسیر اول مدنظر قرآن باشد، معنایش این است که قرآن می‌خواهد نمونه و مصداق واقعی را به عنوان الگو برای ما معرفی کند. در واقع، حکم منحصر به این مصداق نیست، بلکه اگر هر مسجد دیگری نیز خصوصیات این مصداق را داشته باشد، حکم درباره آنها نیز جاری می‌شود.

قرآن برای تبیین فضیلت مسجد مذکور بر دیگر مساجد، تمثیل بسیار زیبایی را بیان می‌کند و می‌فرماید: «افمن اسس بنیانه علی تقوی من الله و رضوان خیرام من اسس بنیانه علی شفا جرف هار فانهار به فی نار جهنم والله لایهدی القوم الظالمین» [توبه/ ۱۰۹].

«بنیان»، مصدری است که در اینجا اسم مفعول آن مراد می‌باشد و به معنای بنا و ساختمان است. «شفا» به معنای لبه

بنای مسجد (پرداختن به جمال شناسی معنوی)

بحث ما، درباره معماریها و جنبه‌های زیبایی شناسی مادی مساجد نیست، بلکه می‌خواهیم جنبه‌های جمال شناسی معنوی مساجد را از دیدگاه قرآن بررسی کنیم. میان جنبه‌های معنوی مساجد با افرادی که به انحای مختلف با مساجد در ارتباط هستند (اهل مسجد)، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. لذا، قسمت عمده بحث ما درباره مسجد آرمانی، به نوع انسانهایی برمی‌گردد که با مساجد ارتباط دارند.

نکته دیگر آنکه، هریک از اوصاف ثبوتی و سلبی را نیز می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. اوصاف نظری یا علمی (ویژگیهایی که مربوط به اندیشه و اعتقاد است، و به طور مستقیم ربطی با عمل ندارد)

۲. اوصاف عملی (ویژگیهایی که مربوط به عمل است و ارتباط مستقیم با کردار انسان دارد)

قرآن کریم در آیات متعددی ویژگیهای ثبوتی و سلبی یک مسجد آرمانی را - اعم از نظری و عملی - بیان کرده است، که در این مقاله با استمداد از قرآن مجید، این بحث را پی می‌گیریم.

اوصاف ثبوتی مسجد نمونه

۱. کمالات علمی یا نظری

قرآن، فضایل نظری متعددی را برای مسجد آرمانی و اهل مسجد ذکر کرده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:
الف: اساس مسجد از اول، باید بر پایه تقوا و رضوان الهی گذاشته شود

قرآن در این باره می‌فرماید: «... لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه» [توبه/ ۱۰۷]
مکاتب اخلاقی را از لحاظی، می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. مکاتب اخلاقی که به عمل توجه دارند.
۲. مکاتبی که علاوه بر عمل، به نیت و انگیزه نیز توجه دارند.

مکاتب نوع اول، تنها معیار نکویی و روایی کردارها را حسن فعلی می‌دانند. به زعم آنها تنها کاری با ارزشتر است، که ثمره و نتیجه خوبی بر آن مترتب باشد. متأسفانه، مکاتب اخلاقی نوین غربی که بعد از دوران نوزایش ظاهر شده‌اند - جز معدودی مثل مکتب اخلاقی کانت که با صورت بسیار جدی به نیت توجه دارد - دچار بیماری عمل زدگی شده‌اند و هیچ توجهی به نیت و انگیزه افعال ندارند.

اما مکاتب الهی علاوه بر کردار، توجه کاملی به انگیزه فاعل دارند. به نظر آنها، جمال و کمال افعال فقط وابسته به کردارها نیست، بلکه مضاف بر آن باید در نظر داشت که فاعل با چه انگیزه‌ای به این کار مبادرت می‌ورزد. کردار آرمانی، آن کرداری است که هم واجد حسن فعلی باشد، و هم از حسن فاعلی حظ مستوفی برده باشد. لذا، روا نیست که برای ارزیابی امور، فقط به نتایج آنها التفات کنیم؛ بلکه علاوه بر آن، باید در انگیزه فاعل هم تعمق کنیم.

درباره مصداق مسجد مذکور، میان مفسران اختلاف نظر



مدخل مسجد کبود، تبریز

اگر مراد آن باشد که حکم منحصر به این مصداق است، پذیرفتنی نیست. بلکه، حق آن است که مراد از عمران مساجد از دیدگاه قرآن، معنای عامی است که شامل جنبه‌های مادی و معنوی می‌شود.

جنبه‌های مادی آن، عبارت است از: اموری همچون ساختن، اصلاح، تعمیر، چارو کردن و روشن کردن مسجد در شب. جنبه‌های معنوی آن، عبارت است از اموری همچون: رفتن به مسجد برای عبادت و یاد خدا، برگزار کردن جلسات علمی در مساجد، و صیانت و حفظ مسجد از کارهایی که نباید در آن صورت بگیرد [طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ۲۱؛ فیض کاشانی، صافی، ج ۲، ۳۲۷؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ۴۱۶].

خداوند در این آیه به صورت صریح بیان می‌کند که تنها کسانی حق عمران - به معنای عام مذکور - مساجد را دارند، که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشند؛ زیرا مسجد محل عبادت خداست. بنابراین، اگر کسی که به خدا ایمان ندارد به صورت ظاهر و به علل خاصی مسجدی بسازد، آن مسجد ارزش ندارد. همین طور، اگر کسی به خدا ایمان بیاورد ولی به روز قیامت ایمان نداشته باشد، باز نمی‌توان او را یک مسلمان به حساب آورد. در واقع، این فرد از آثار مثبت ایمان به روز قیامت محروم است. چنین کسی نمی‌تواند پایگاهی ایجاد کند، که در خدمت اهداف اسلامی - که در رأس آنها ایمان به خدا و

چیزی و «جرف» به معنای حاشیه نهر یا چاه است، که آب زیر آن را خالی کرده باشد. و «هار» به معنی شخص یا ساختمانی است که در حال سقوط است [مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ۱۴۱].

قرآن کریم در قالب استفهام انکاری بیان می‌کند که کسی که بنیان و اساس کار خود را بر تقوا و خشنودی الهی پایه‌گذاری کند، بهتر است از کسی که اساس کار خویش را بر عملی پایه‌گذاری کند که سیل زیر آن را شسته و هر لحظه احتمال فرو ریختن آن است. فخر رازی بیان کرده است که قرآن در این آیه، حق و باطل را با هم مقایسه می‌کند و می‌فرماید که کسی که بنیان دینش را بر ستون محکمی که حق است؛ یعنی تقوا و رضوان الهی، گذاشته است، بر کسی که بر سست‌ترین پایه‌ها؛ یعنی باطل، گذاشته است، برتری دارد [رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ۱۹۷]. همچنین، صاحب نورالثقلین به نقل از امالی شیخ الطائفه، «افمن اسس بنیانه علی تقوی» را به کار دوستداران اهل بیت (ع) و «اسس بنیانه علی شفا جرف هار» را به کار مبغضان اهل بیت (ع) تفسیر کرده است [نورالثقلین، ج ۲، ۲۶۸].

صاحب نورالثقلین در ذیل آیه مذکور، به نقل از مصباح الشریعة، این حدیث را از امام صادق (ع) بیان می‌کند: «کل عبادة موسسة علی غیر التقوی فی عبادة منثورة» [نورالثقلین، ج ۲، ۲۶۸]

امام صادق (ع) در این حدیث، بر اهمیت نیت در اعمال تأکید می‌کنند، و می‌فرمایند که تنها در ساختن مسجد، نباید تقوا پیشه کرد، بلکه هر کار عبادی - عبادت به معنای عام دامنه بسیار وسیعی دارد که می‌تواند همه کارهای انسان را تحت پوشش قرار دهد - موقعی با ارزش و تحسین شدنی است، که ناشی از تقوا باشد.

خلاصه یکی از ویژگیهای مسجد آرمانی آن است که به دلیل تقوی و رضایت الهی ساخته شده باشد و انگیزه‌های غیرالهی در آن نباشد.

ب: مردانی که با این مساجد ارتباط دارند باید به خدا و روز قیامت ایمان بیاورند و از روز قیامت بترسند
قرآن در این باره می‌فرماید: «انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر و اقام الصلوة و اتی الزکاة و لم یخش الا الله...» [توبه/۱۷].

قبل از توضیح این سه عامل، ابتدا باید دانست مراد قرآن از عمران مساجد چیست؟

فخر رازی در این باره می‌گوید: «از اینکه قرآن، «اقامه نماز و پرداختن زکات» را در عمران مساجد اعتبار کرده است، می‌فهمیم که مقصود از عمران مسجد، حضور در مسجد است؛ زیرا اگر انسان اقامه کننده نماز باشد، در مسجد حاضر و سبب عمران مسجد می‌شود، و اگر پردازنده زکات باشد، سبب می‌شود فقرا و مسکینان به منظور اخذ زکات به مسجد بیایند. لذا، عمران مسجد حاصل می‌شود [رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ۹].

سخن فخر رازی به عنوان مصداقی از آیه، قابل قبول است. اما

روز قیامت است - باشد.

و دیدگان دگرگون خواهد شد: «یخافون یوماً تتقلب فیه القلوب و الابصار» (نور/۳۶).

در اینجا، خداوند به دو شرط نظری (علمی) برای عمران مساجد اشاره کرده، که از اصول دین مقدس اسلام است. پس، این سؤال مطرح می شود که چرا قرآن به اصل سوم اعتقادی «ایمان به نبوت» اشاره نکرده است؟ صاحب تفسیر نفیس کبیر، سه پاسخ برای این سؤال ذکر کرده است:

۱. مشرکان مدعی بودند که حضرت رسول (ص)، مسئله پیامبری را برای دستیابی به مقام و ریاست مطرح کرده است. در اینجا قرآن به دو اصل اعتقادی اشاره کرده، اما به نبوت اشاره ننموده است تا با این عمل بیان کند که هدف اصلی رسالت، این دو اصل است.

۲. در دنباله آیه، به اقامه نماز اشاره شده است. در نماز اذان، اقامه و تشهد داریم که بیانگر نبوت است.

۳. «صلاة» در قرآن، با «ال» به عهد ذکری بیان شده است. یعنی، مقصود نماز شناخته شده میان مسلمانان است که پیامبر آن را تعلیم داده است، و مؤید نبوت پیامبر گرامی اسلام (ص) به شمار می رود [رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ۹].

قرآن در آیات ۳۶ و ۳۷ سوره نور - که در ادامه این مقاله و بیشتر درباره آن سخن خواهیم گفت - یکی از خصوصیات اهل مسجد را، ترس از روز قیامت می داند؛ روزی که در آن همه قلبها

ج: اهل مسجد باید دوستدار طهارت باشند
قرآن کریم در معرفی مسجد آرمانی و برتری این مسجد بر مساجد دیگر، چنین می فرماید: «لاتقم فیه ابدأ لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه، فیه رجال یحبون ان یتطهروا و الله یحب المطهرین» [توبه/۱۰۸].

طهارت، رفع پلیدیها و پلشتیها است، پلشتیها نیز به دودسته برونی و درونی تقسیم می شوند:

حال این سؤال مطرح می شود که مراد قرآن در این باره چیست؟ زمخشری در کشاف، شش نظریه مفسران درباره تفسیر طهارت را ذکر کرده است، که به قرار ذیل می آید از زمخشری، کشاف، ج ۲، ۱۱۳]:

۱. انصار بعد از غایط و برای پاکیزگی، از احجار سه گانه و سپس آب استفاده می کردند، لذا، این آیه حال آنان را وصف می کند.

۲. در شب با حالت جنابت نمی خوابند.

۳. بعد از بول، از آب برای طهارت استفاده می کنند.

۴. مراد، طهارت از همه نجاسات (ظاهری) است.

۵. مراد، طهارت از همه گناهان به وسیله توبه است.

۶. تطهیر، به معنای حالت پرهیز (اجتناب) گناهان است. این حالت، سبب از بین رفتن گناهان سابق و دوری از گناهان جدید می شود.

فخر رازی در تفسیر آیه، سه نظریه را بیان می کند [رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ۱۹۶]:

۱. تطهیر از گناهان و معاصی؛ که برای ترجیح این نظریه، چهار دلیل ذکر می کند.

۲. طهارت به وسیله آب، بعد از استعمال حجر

۳. طهارت با معنای عامی که شامل هر دو قول بشود.

مفسران دیگر نیز معمولاً یک یا چند قول از اقوالی را که زمخشری بیان کرده است، ذکر کرده اند [طوسی، تیان، ج ۵، ۳۰۰؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ۱۱۱؛ فیض کاشانی، صافی، ج ۲، ۳۷۹؛ هویزی، نورالقلین، ج ۲، ۲۶۷-۲۶۸]

به گمان ما حق با مفسرانی است که طهارت را به معنای عامی گرفته اند که شامل طهارت از همه پلیدیهای برونی و درونی می شود. احادیثی که در ذیل آیه ذکر شده اند، در واقع برخی از مصادیق این آیه را بیان کرده اند [مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ۱۴۰].

نکته مهمی که این آیه به ما می آموزد، این است که از نظر اسلام نه تنها در صحنه عمل طاهر بودن عملی با ارزش و کرداری ستوده است، بلکه حتی در صحنه نظر و اندیشه نیز دوستدار و محب طهارت بودن، ارزش و الایی دارد.

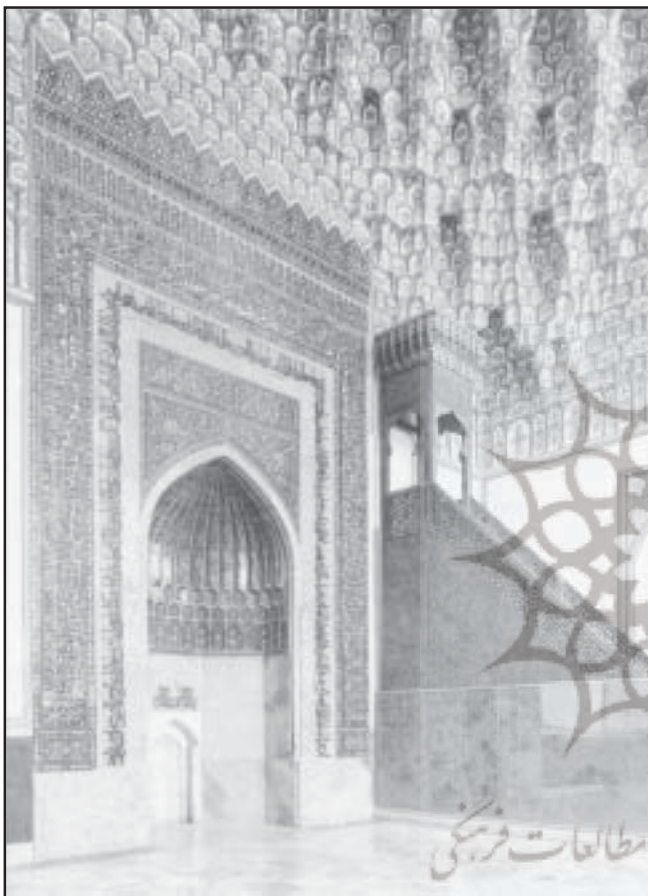
به دلیل اینکه در این مسجد نمونه، افرادی هستند که محب طهارتند. قرآن این مسجد را بر مساجد دیگر ترجیح می دهد. این مطلب نهایت الثفات دین مقدس اسلام را به عرصه های نظری نشان می دهد. همچنین، هشدار بلیغ برای همه روشنفکران



مسجد و مدرسه عالی شهید مطهری، تهران

که عابد از هر چیز خیر خدایی، حتی توجه به عبادت خودش چشمپوشی نماید و تنها متوجه الهیه او، حضرت حق باشد؛ زیرا حتی توجه به عبادت، سبب کم رنگ شدن توجه به خدا می شود» [طباطبایی، المیزان، ج ۸، ۱۰۲].

ب: در مسجد باید به تسبیح و ذکر خدا اشتغال داشت
برخی از مفسران درباره شأن نزول آیه: «و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمہ وسعی فی خرابها...» [بقره/۱۱۴] گفته اند: «این آیه، ناظر به تخریب بیت المقدس به



مسجد گوهرشاد، مشهد

وسيله بخت النصر و قومش یا به وسیله طوس بن اسپسا است» [خزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ۱۲۰].

این آیه یکی از مصادیق ظلم را، ممانعت از ذکر خدا در مساجد معرفی می کند. لذا، به صورت ضمنی می فهماند که مسجد، بهترین جای برای ذکر خداست» [خزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ۱۲۰-۱۲۱].

قرآن در سوره نور، درباره ذکر خدا چنین می فرماید: «فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو والاصال» [نور/۳۶]

صاحب تفسیر روض الجنان درباره تفسیر «بیوت» پنج نظریه را ذکر کرده است [خزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر

مسلمان است، که از غوطه ور شدن در منجلاب مکاتب عملگرا - که بر این باورند که انسان فقط باید به جنبه های عملی توجه کند و جنبه های نظری ارزشی ندارد - بپرهیزند.

۲. کمالات عملی

الف: عبادت در مسجد باید خالصانه باشد

شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان، پنج نظر درباره آیه «اقیموا وجوهکم عندکل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین...» [اعراف/ ۲۹] ذکر کرده است [طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ۶۳۴ - ۶۳۵]:

۱. در نماز، به طور مستقیم به قبله هر مسجد توجه کنند.
۲. در نماز خود، به کعبه توجه کنند. و مراد از مسجد، اوقات سجود یا همان اوقات نماز است.
۳. موقع نماز به هر مسجدی رسیدید، نماز خود را بخوانید. نگویند که من باید به مسجد محله خودم برگردم.
۴. در وقت هر نماز، برای اقامه جماعت به مسجد بروید.
۵. در طاعات فقط خدا را در نظر بگیرید، و تنها را شریک برای خدا قرار ندهید.

صاحب نورالثقلین احادیثی را در ذیل ذکر کرده، و بنا بر نقل از تفسیر عیاشی، اقامه وجه را به «ائمه هدی» (ع) تفسیر کرده است [هویزی، نورالثقلین، ج ۲، ۱۷ - ۱۸].

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، پنج نظری را که شیخ طبرسی در تفسیر آیه ذکر کرده، نمی پسندد و نکته بسیار ظریفی را در تفسیر این آیه ارائه می دهد که: وجه هر چیز، آن قسمتی است که با آن، با چیزهای دیگر روبرو می شود. اقامه وجه در هنگام عبادت در یک انسان کامل، عبارت از این است که خود را به گونه ای سازد و آن چنان حواس خود را تمرکز دهد، که امر عبادت قائم به او شود، و او بتواند آن امر را به طور کامل و شایسته و بدون هیچ نقصی، امثال کند. پس برگشت و اقامه وجه در هنگام عبادت، به این است که انسان در این موقع دلش آنچنان مشغول خدا باشد، که از هر چیز دیگری منقطع شود» [طباطبایی، المیزان، ج ۸، ۱۰۲].

اقامه وجه در عبادت به این معنا، شامل همه مکانهاست. البته، مساجد که خانه های خدا در زمین به شمار می روند، به این معنا سزاوارترند.

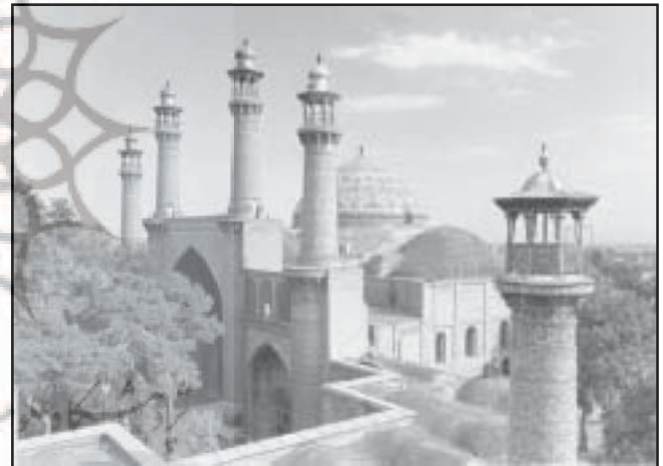
اصل اخلاص به این معناست که ما هر چیزی را که از جنس یک شیء نیست و مخلوط و ضمیمه به آن شده است، از آن شیء جدا کنیم به طور مثال، اگر داخل یک کیسه گندمی چیزهای دیگری غیر گندم باشد، ما آن اشیاء دیگر را از گندم کاملاً جدا کنیم. مراد از اخلاص دین برای خدا، آن است که ما عبادت را فقط برای خدا انجام دهیم و هیچ عامل دیگر را در عبادتمان دخالت ندهیم [طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ۶۳۴].

علامه طباطبایی در این باره، نکته ظریف دیگری را بیان می کند: «با ضمیمه کردن دو بخش آیه: «واقیموا وجوهکم عندکل مسجد» و «ادعوه مخلصین له الدین»، این نکته استنباط می شود

۱. همه مساجد است. سعید بن جبیر از «عبدالله بن عباس روایت کرد که او می گفت: «مساجد خانه های خداست در زمین، و از زمین همچنان تابنده و روشن باشد، که ستاره از آسمان».
۲. صالح بن خیال از ابی بریده و او از پیامبر (ص) نقل کرد که مراد، چهار مسجد است که پیامبران ساخته اند: الف: مسجد مکه (کعبه)، که ابراهیم و اسماعیل (ع) بنا کردند. ب: بیت المقدس، که داوود و سلیمان (ع) بنا کردند. ج و د: مسجد مدینه و مسجد قبا که پیامبر (ص) بنا کردند.
۳. خانه های پیامبران است. براساس حدیثی که انس بن مالک از بریده و او از پیامبر (ص) نقل کرد، خانه حضرت علی (ع) و فاطمه (س)، افضل آنهاست.

۴. امام صادق (ع) فرمودند: «مراد، خانه های پیامبر است».
۵. سدی گفت: «مراد، خانه های مدینه است».

همه نظریات، در واقع مصداق را بیان می کنند. بیان برخی از مصادیق، به این معنا نیست که حکم قرآن منحصر به آن مصداق است. از این آیه می توان فهمید که مساجد مهم ترین مصادیق این آیه شریفه است. نکته مهم آن است که خداوند در این آیه فقط به ذکر خدا اکتفا نمی کند، بلکه به مؤمنان دستور می دهد که از روی قدر و



مسجد و مدرسه عالی شهید مطهری، تهران

منزلت نام خدا را ببرند» [خزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ۱۵۲].

خداوند در دنباله آیه می فرماید: «یسبح له فیها بالغدو والاصال». عبدالله بن عباس گفت: «مراد از این تسبیح، نماز است به دلیل قول: «بالغدو والاصال». تسبیح می کنند، نماز بامداد و نماز شام می گزارند. برخی دیگر از مفسران گفته اند: مراد پنج نماز است، نماز غدو وقت نماز بامداد است، و اصال جمع است وقت نماز پیشین و دیگر وقت نام و خفتن را» [خزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ۱۵۲].

ج: تعلیم و تعلم در مسجد نیز تسبیح خداست صاحب تفسیر روح الجنان براساس حدیثی که از پیامبر (ص)

نقل می کند، می گوید: «تعلیم و تعلم نیز تسبیح خداست». این امر، بیانگر ارزش سترگی است که اسلام به تعلیم و تعلم می دهد.

«سهل بن سعد ساعدی روایت کرد از رسول (ص) که او گفت: هر که بامداد و شبانگاه به مسجد شود امید بر آنکه علمی آموزد از کسی یا کسی را علمی آموزاند، ثواب او، ثواب مجاهدان باشد در سبیل خدای که جهاد بکنند و غنیمت بردارند. و هرکس که نه برای این به مسجد شود، همچنان که به نظر کاری رود، ببیند آن چیز و او را نصیبی نباشد، نمازکنان را ببیند و از ایشان نباشد و ذاکران ببیند و از ایشان نباشد» [خزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ۱۵۵].

د: اهل مسجد باید اقامه نماز کنند و زکات بپردازند

قرآن در آیه «انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر واقام الصلاة و آتی الزکاة» [توبه/۱۸] و در همه آیات دیگر، «قرأ الصلاة» را به کار نمی برد، بلکه به جای آن از تعبیر «اقام الصلاة» استفاده می کند. این مطلب نشان می دهد که مراد فقط استفاده از زبان نیست، بلکه باید نمازگزار با همه وجود در حال نماز باشد تا این نماز منشأ آثار مثبتی در اعمال او بشود؛ که یکی از این آثار مهم، پرداختن زکات است.

ه: اهل مسجد باید در موقع حضور در مسجد از لباسهای زیبا و نظیف استفاده کنند

در تفسیر نورالثقلین و صافی احادیث متعددی در ذیل آیه: «یا بنی ادم خذوا زینتکم عند کل مسجد» [اعراف/۳۱] ذکر شده است. در این احادیث، مصادیق متعدد این آیه ذکر شده است، که عبارتند از: پوشیدن لباس زیبا در نماز عیدین، نماز جمعه و هر نمازی به صورت مطلق؛ اعم از واجب و مستحب. همچنین، به ائمه (ع) نیز تفسیر شده است [هویزی، نورالثقلین، ج ۲، ۱۸؛ فیض کاشانی، صافی، ج ۲، ۱۸۹ - ۱۹۰].

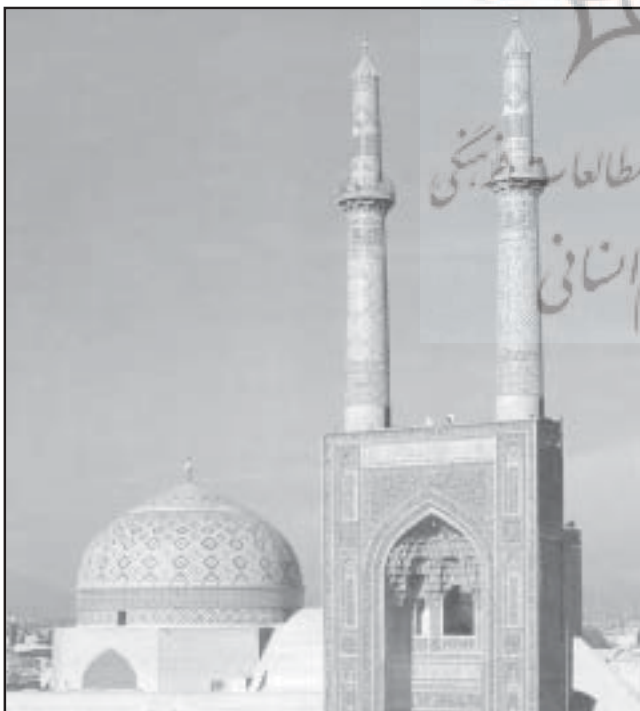
در هر دو تفسیر ذکر شده است که امام حسن (ع) وقتی می خواستند اقامه نماز کنند، زیباترین لباسشان را می پوشیدند و می فرمودند که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. من خودم را برای پروردگارم زینت می دهم، زیرا خداوند می فرماید: «خذوا زینتکم عند کل مسجد». به این دلیل، من دوست دارم زیباترین لباس را بپوشم [هویزی، نورالثقلین، ج ۲، ۱۰۹؛ فیض کاشانی، صافی، ج ۲، ۱۸۹].

پوشیدن لباسهای زیبا و نظیف - در صورتی که شکل تفاخر به خود نگیرد و از حد اعتدال خارج نشود - به هنگام اقامه نماز در خانه امری ستوده است. این کار در مسجد، اهمیت بیشتری دارد، اثر روانی مثبتی بر نمازگزار می گذارد. مراعات نکردن این نکته ظریف قرآنی از جانب برخی از نمازگزاران در بعضی از مساجد، سبب دور کردن عده ای از مسجد می شود. حتی در بعضی جوامع خاص، ممکن است این کار سبب دور کردن مردم از دین اسلام بشود؛ زیرا متأسفانه برخی از نمازگزاران با ظاهری ناستوده و دل آزار وارد مساجد می شوند، اسباب ناراحتی عده ای را فراهم می کنند.

۴. تعمیر مسجد به وسیله کفار، متی بر مسلمانان است، در صورتی که مسلمانان نباید رهین منت کفار باشند.

۲. اوصاف سلبی عملی

در شأن نزول آیه: «والذین اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین و ارساداً لمن حارب الله ورسوله من قبل...» [توبه/۱۰۷]، آمده است که گروهی از منافقان بنی غنم بن عوف نزد پیامبر آمدند و گفتند: به ما اجازه بده مسجدی در نزدیک مسجد قبا بسازیم تا افراد ناتوان و بیمار و مردان از کار افتاده در آن نماز بخوانند، و همچنین در شبهای بارانی از آن استفاده شود. بعد از ساختن مسجد، از پیامبر (ص) خواستند که آن را افتتاح کنند. این درخواست زمانی بود که پیامبر (ص) می خواستند به جنگ تبوک بروند. پیامبر (ص) این درخواست را به بعد از جنگ تبوک موکول کردند، این ظاهر ماجرا بود. اما باطن آن، شکل دیگری داشت. این منافقان با درخواست ابوعامر، پدر حنظله غسیل الملائکه، که مسلمانان او را «ابوعامر فاسق» می خواندند، این مسجد را ساختند. در ایام جاهلیت، او به رهبانیت درآمد و لباس خشن بر تن می کرد. وقتی در مدینه به خدمت پیامبر (ص) رسید، حسد برد و شروع به تحریک مردم علیه پیامبر (ص) کرد. بعد از فتح مکه، وی به طائف فرار کرد. در جنگ حنین، ابوعامر با هوازن علیه مسلمانان می جنگید. بعد از شکست هوازن، به روم رفت و به آیین مسیحیت درآمد. وی به منافقان پیغام فرستاد که در مدینه مسجدی بنا کنید تا من از قیصر روم لشکر و سلاح بخواهم، و به مدینه آیم و محمد (ص) و اصحابش را بیرون کنم. منافقان این مسجد را به دستور ابوعامر ساختند تا با خود باشند، و رازهای خویش



مسجد جامع یزد

و: خرید و فروش، اهل مسجد را از ذکر خدا غافل نمی کند در قرآن آمده است: «رجال لاتلیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله...» [نور/۳۷] خرید و فروش، یکی از ضروری ترین نیازهای اجتماعی انسان است. از آنجا که هر انسانی نمی تواند همه نیازهایش را برآورده کند، یقیناً نیاز به کار انسانهای دیگر دارد. به این دلیل، نیاز به داد و ستد کالاها پیش می آید. به مرور زمان که تقسیم کار در اجتماع زیاد شد، طبقه خاصی به نام «تجار» پدید آمد. کار اصلی تجار، خرید و فروش است، و حلقه واسط میان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان به شمار می روند به علت جاذبه های مادی فراوان این کار، فعالان در این کار، بیشتر از شاغلان حرفه های دیگر، در خطر غفلت از یاد خدایند. به همین سبب، در احادیث ثواب مسجد بازار، از همه مساجد دیگر کمتر ذکر شده است.

امام صادق (ع) فرمودند: «نماز در بیت المقدس هزار نماز باشد، و در مسجد اعظم صد نماز باشد، و در مسجد قبیله ۵۲ نماز باشد، و در مسجد بازار ۲۱ نماز باشد، و نماز مرد در خانه خود یک نماز باشد» [خزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ۱۵۵].
اما قرآن تأکید می کند که خرید و فروش، نمازگزاران مسجد آرمانی را از یاد خدا غافل نمی کند.

اوصاف سلبی مسجد آرمانی از دیدگاه قرآن

۱. اوصاف سلبی نظری

الف: عامران مساجد نباید مشرک باشند

ابن عباس درباره شأن نزول آیه: «ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالکفر اولئک حبطت اعمالهم و فی النارهم خالدون» [توبه/۱۷]. می گوید: زیرا عباس در روز بدر اسیر شد. مسلمانان او را به دلیل کفرش به خدا و شرکت در جنگ علیه رسول خدا سرزنش کردند. حضرت علی (ع) نیز بر او سخت گرفت. عباس اعتراض کرد که چرا شما فقط بدیهای ما را می گوئید و از محاسن ما چیزی نمی گوئید. از او سؤال کردند که محاسن شما چیست؟ گفت: ما به عمران مسجد الحرام می پردازیم، پرده دار کعبه هستیم، به حاجیان آب می دهیم... خدا در رد ادعای عباس، این آیه را نازل کرد [زمخشری، کشاف، ج ۲، ۲۵۳-۲۵۴؛ رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ۷؛ فیض کاشانی، صافی، ج ۲، ۳۲۷].

فخر رازی چهار دلیل برای جایز نبودن تعمیر مسجد به وسیله کفار، به قرار ذیل ذکر کرده است [رازی، تفسیر کبیر، ج ۶۱، ۷]:

۱. مسجد محل عبادت است. لذا، باید آن را بزرگ داشت. ولی، کافر چنین کاری نمی کند.

۲. کافر به حکم آیه قرآن: «انما المشرکون نجس» [توبه/۲۸]، نجس است. لذا، تطهیر مساجد به سبب: «ان طهرا بیتی للطائفین» [بقره/۱۲۵]، واجب است.

۳. کافر از نجاسات پرهیز نمی کند. لذا، خود سبب تلویث مسجد، و به ناچار منجر به بطلان عبادت مسلمانان می شود.

را با خود بگویند. زمانی که پیامبر(ص) از جنگ تبوک بازگشتند، منافقان به نزد پیامبر(ص) آمدند و از پیامبر(ص) خواستند تا این مسجد را افتتاح کنند تا قصد بدشان مستور ماند. پیامبر(ص) پذیرفتند و قصد این مسجد کردند. اما، ناگهان جبرئیل نازل شد، و این آیات را بر پیامبر(ص) نازل کرد. پیامبر به برخی اصحاب دستور دادند تا این مسجد را آتش بزنند. بعد، پیامبر(ص) دستور دادند تا این مسجد را زیاده دان کنند اواقدی، مغازی، ج ۳، ۷۹۶-۷۹۸؛ ابن اثیر، کامل ج ۳، ۱۱۴۵-۱۱۴۷؛ طوسی، تبیان، ج ۵، ۲۹۷-۲۹۸؛ زمخشری، کشف، ج ۲، ۳۰۹-۳۱۰؛ میدی، کشف الاسرار، ج ۴، ۲۱۰-۲۱۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ۱۰۹-۱۱۰؛ فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ۱۹۴-۱۹۵؛ هویزی، نورالثقلین، ج ۲، ۲۶۶-۲۶۷؛ فیض کاشانی، صافی، ج ۲، ۳۷۸-۳۷۴؛ طباطبایی، المیزان، ج ۹، ۶۲۰-۶۲۲؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ۱۳۴.

خداوند در این آیه مبارکه، چهار صفت سلبی عملی برای مساجد ذکر می کند، و به صورت ضمنی می فهماند که مسلمانان حق ندارند هر مکانی را که به عنوان مسجد معرفی شده است، مقدس شمرند. مسجد در صورتی تمجیدشده است، که از اوصاف رذیله چهارگانه ذیل مبری باشد.

الف: مسجد نباید مایه اضرار امت اسلامی باشد

واژه «ضرار» در لغت، به معنای طلب یا قصد ضرر کردن، و همچنین به معنای مبادرت کردن به عملی است که ضرر را برساند [طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ۱۰۷؛ رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ۱۹۳]. مسجد به عنوان یک کانون مقدس، برای اعتلای دین مقدس اسلام و دفاع از ارزشهای متعالی شریعت است. در این صورت، ملقب به لقب شریف «بیت الله» می شود؛ چنانکه در حدیث قدسی آمده است: «ان بیوتی فی الارض المساجد، و ان زواری



مسجد جامع بورسا، ترکیه

فیها عمارها فطوبی لعبد یتطهر فی بینه ثم زارنی فی بیتی فحق علی المزور ان یکرّم زائره» [زمخشری، کشف، ج ۲، ۲۵۴؛ رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ۱۰؛ فیض کاشانی، صافی، ج ۲، ۳۲۷].

در این حالت، مطهر آن از سوی حضرت حق تکریم می شود و خداوند بر خود فرض می گرداند، که زائرش را گرامی بدارد. اما مسجدی که موجبات اضرار شریعت اسلامی را فراهم می کند، در واقع «بیت الشیطان» خواهد بود. لذا چنین مسجدی سزاوار هدم و تخریب است، نه شایسته تکریم و تمجید.

ب: مسجد نباید پایگاه کفر شود

مسجد باید همچون منبع روشنایی و سراج منیر امت و شریعت اسلامی به شمار رود، و جایگاه تبیین اصول ایمانی و فروع شریعت باشد. براساس فرمایش پیامبر(ص)، هرکس چنین چراغی را در مسجد روشن کند، تا هنگامی که آثار چنین نور ایمانی وجود دارد، ملائک و حاملان عرش الهی برای او از حضرت حق طلب مغفرت می کنند؛ «من اسرج فی مسجد سراجا لم تنزل الملائکة و حمل العرش الا یتستغفرون له مادام فی المسجد منوره» [زمخشری، کشف، ج ۲، ۲۵۵؛ رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ۱۰]. اما اگر مسجدی به عنوان عامل اطفای نور حق عمل کند، در انهدام آن نباید تردید کرد.

ج: مسجد نباید مایه تفرقه مسلمانان و کمینگاهی علیه خدا و رسول باشد

مسجد باید به عنوان مرکزی برای الفت و اخوت مسلمانان باشد. لذا، عواملی که اسباب تفرق مسلمانان را فراهم می کنند، باید در آنجا ابتدا شناخته و در مرحله بعد خنثی شود. یعنی، مسجد باید کمینگاهی برای سد کردن توطئه های دشمنان دین و شریعت باشد تا دشمنان نتوانند به اهداف شیطانی خود دست یابند.

زجاج، «ارصاد» را به معنای «انتظار» و ابن قتیبه آن را به معنای «انتظار همراه با دشمن»، شیخ طوسی به معنای «دیدبانی کردن» و بسیاری از علما به معنای «اعداد و آماده کردن» معنا کرده اند [زمخشری، کشف، ج ۲، ۱۳۰؛ طوسی، تبیان، ج ۵، ۲۹۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ۱۰۷؛ رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ۱۹۴].

مفسران بیان کرده اند که «وارصادا لمن حارب الله و رسوله من قبل...»، اشاره به ابو عامر فاسق است، که دستور داد مسجدی را برای کمین علیه اسلام و مسلمانان بسازند [طوسی، تبیان، ج ۵، ۲۹۸؛ زمخشری، کشف، ج ۲، ۳۱۰؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ۱۱۰؛ رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ۱۹۴؛ هویزی، نورالثقلین، ج ۲، ۲۶۷؛ فیض کاشانی، صافی، ج ۲، ۳۷۵؛ طباطبایی، المیزان، ج ۹، ۶۱۷].

این مسجد که مصداق اکمل و اتم همه این خصوصیات رذیله بود، در تاریخ اسلام به «مسجد ضرار» معروف شده است.

د: اهل مسجد نباید منافق باشند

ممکن است کسانی به ساختن مسجدی بپردازند، خود را «اهل مسجد» بنمایانند و سخنهای نیکو و پسندیده بر زبان آرند، اما مسلمان زیرک نباید فریفته و مسحور سخنان جمیل

کمال و سعادت است. یعنی، مربی تعیین می‌کند که باید از چه اموری ترسید و به چه اموری امید بست. نقش سترگ سفرای الهی، در نقل و تبیین همین نکته دوم است. آنها با گفتار و کردار ستوده‌شان در طول تاریخ، نشان داده‌اند که فقط باید از خدا هراسید و تنها باید به این بارگاه ملکوتی امید بست.

خداوند در این آیه مبارکه، عمران مساجد را حق کسانی می‌داند که فقط از او می‌هراسند و بر این باورند که اگر از مسیر پیشنهادی شریعت فاصله بگیرند، در چنگال عذاب الهی گرفتار خواهند شد. اگر اهل مسجد این گونه باشند، مسجد همیشه به عنوان پایگاهی برای اعتلای حق و حقیقت خواهد بود؛ در غیر این صورت، ممکن است سردمداران باطل با حفظ ظواهر مسجد، آن را به عنوان کانونی برای رسیدن به مطامع نامشروع خود قرار دهند. نتیجه آنکه، مسجد آرمانی از دیدگاه قرآن، مسجدی است که خودش و اهلس و واجد همه صفات ثبوتی - و فاقد همه

شود، بلکه باید به ارزیابی و سنجش گفتار و کردار آنان در گذشته و حال پردازد، و ببیند که آیا کردارشان مؤید گفتارشان است؟

مسجد آرمانی قرآن، مسجدی است که گفتار بانیان، متولیان، اعضای سیاستگذار و اهل آن، با کردارشان همخوان و سازگار باشد. چنین افرادی می‌توانند افراد بیشتری را به مسجد جذب کنند، و اسباب هدایت و رفعت مقام معنوی انسانها را فراهم آورند. اگر آنان چنین نباشند، نه تنها نمی‌توانند اسباب وصول به چنین هدفی را فراهم کنند، بلکه برعکس ممکن است ضررهای مهلکی را بر پیکره امت اسلامی وارد نمایند. این رهنمود قرآنی نشان می‌دهد که نباید مسحور و مفتون سوگندها و جملات فصیح و بلیغ افراد شد، بلکه باید به مقارنه و



مسجد جامع کاج، اصفهان



مسجد جامع زنجان

صفات سلبی - مذکور در این مقاله باشد. چنین مسجدی، فقط اختصاص به زمان پیامبر(ص) ندارد. بلکه امکان تحققش در همه زمانها و مکانهاست.

تطبيق گفتار و کردار افراد پرداخت.

هـ. . اهل مسجد نباید از غیر خدا بترسند

قرآن اهل مسجد را افرادی نترس معرفی می‌کند و می‌فرماید: «انما یعمر مساجد الله من امن بالله والیوم الآخر واقام الصلاة و آتی الزکاة ولم یخس الا الله . . اولئک ان یکونوا من المهتدین» [توبه/۱۸].

از عوامل عمده تعالی و کمال انسان، وجود «بیم و امید» یا «خشیت و رجا» است. اگر ترس در انسان نباشد، ممکن است دست به کارهای جسورانه و متهورانه ای بزند و بی جهت، حیات خود را به مخاطره بیندازد. همچنین، اگر امید در انسان نباشد، نمی‌تواند مشکلات و ناملایمات را بپیماید و ممکن است با ورزش اندک باد مخالف و ناسازگار به ورطه هلاکت سقوط کند.

از نظر اندیشمندان تعلیم و تربیت، خشیت و رجا تا حدی به صورت طبیعی در همه انسانها وجود دارد. نکته مهم از نظر آنان، جهت بخشیدن به این دو عنصر حیاتی، در طی طریق

ژورنال علوم انسانی و اجتماعی

ژورنال علوم انسانی و اجتماعی

ژورنال علوم انسانی و اجتماعی

- منابع:
۱. خزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن
 ۲. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر
 ۳. زمخشری، محمودبن عمر، کشف
 ۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی
 ۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان
 ۶. طوسی، محمدبن حسن، تیان
 ۷. فیض کاشانی، محمدحسن، صافی
 ۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه
 ۹. واقدی، محمدبن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی
 ۱۰. هویزی، نورالثقلین